

سیری در سیر زبان‌شناسی

مهدی ضرغامیان

سیر زبان‌شناسی، تألیف دکتر مهدی مشکوة‌الدینی

مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۳

زبان‌شناسی دانشی است که اصلاً در غرب بالیده و پرورده شده است. اگر چه پیش‌کسوتان این علم به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تعلق دارند، اما آنان خود تکوین آن را در گذشته‌ای دورتر جستجو می‌کنند. در واقع، زبان‌شناسی میوه رسیده‌ای است که نهال کوچک و ظریف آن در عهد باستان در زمینی مساعد کاشته شده است. بی‌جهت نیست که غریبان همواره به گذشته خود نگاه می‌کنند تا ببینند در این مدت چه کرده‌اند و چه تجربه‌ای اندوخته‌اند.

سیری در زبان‌شناسی از جان. تی. واترمن عنوان کتابی است که فریدون بدره‌ای آن را از سال ۱۳۴۷ آشنای فارسی زبانان ساخت. تاریخ مختصر زبان‌شناسی اثر آر. اچ. روبینز نیز با ترجمه علی‌محمد حق‌شناس در سال ۱۳۷۰ به زبان فارسی درآمده است.

اما تعداد آثار مربوط به تاریخ زبان‌شناسی بسیار گسترده‌تر از دو اثر فوق است. فرانسیس دینن با بهانه قرار دادن تاریخ زبان‌شناسی در سال ۱۹۶۷ کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی عمومی را در آمریکا منتشر کرد. ژولیا ژاویو نیز با همین بهانه در سال ۱۹۶۹ کتاب زبان، این ناشناخته را در فرانسه منتشر ساخت (این کتاب در سال ۱۹۸۱ با نام ژولیا کریستوا تجدید چاپ شد). ساختمان این دو کتاب تا حدودی شبیه یکدیگر است. فصول نخست آنها در بردارنده مقدماتی درباره نحوه مطالعه زبان و توضیح مهم‌ترین اصطلاحات زبان‌شناختی است؛ اما بدنه اصلی هر کتاب به بررسی تاریخ زبان‌شناسی از آغاز تا زبان‌شناسی گشتاری اختصاص یافته است.

ژرژ مونن در سال ۱۹۶۷ تاریخ زبان‌شناسی از آغاز تا قرن بیستم را در فرانسه منتشر کرد. مونن در کتاب کوچک و مختصر خود، پس از بررسی نظریات مربوط به منشأ زبان، دو هزار سال تاریخ

زبان‌شناسی را بررسی می‌کند و سرانجام در فصل پایانی کتاب خود با عنوان «به‌سوی قرن بیستم» نشان می‌دهد که با ظهور چهره‌هایی نظیر سوسور، دوکورتیه و ویتنی، دانش زبان‌شناسی آماده شکل گرفتن در قرن بیستم است. مومن بررسی دانش امروز زبان‌شناسی را به کتاب زبان‌شناسی در قرن بیستم واگذار می‌کند که در سال ۱۹۷۲ به چاپ رسید. او در این کتاب به بررسی حوزه‌های فکری سیزده زبان‌شناس برجسته این قرن (به ضمیمه فصلی با عنوان «مارکسیسم و زبان‌شناسی») می‌پردازد.

در میان آثار نسبتاً جدیدتر، کتاب بزرگ و حجیم تاریخ زبان‌شناسی از سومر تا سوسور اثر زبان‌شناسی سوئدی برتیل مالبرگ است که در سال ۱۹۹۱ در مجموعه کتابهای فوندمانتال نشر دانشگاهی فرانسه (PUF) چاپ شده است. برای توصیف میزان اطلاعات دائرةالمعارفی این کتاب تنها می‌توان به این نکته اشاره کرد که در نمایه آن نزدیک به ۱۵۰۰ اسم خاص دیده می‌شود. این کتاب، در واقع اثر مکملی است که مالبرگ ۸ سال پیشتر از آن با عنوان تحلیل زبان در قرن بیستم، نظریات و روشها توسط همان نشر دانشگاهی فرانسه به چاپ رسانده بود.

اما بررسی زبان‌شناسی در ایران تاکنون چندان اقبالی نداشته و از حد مقاله فراتر نرفته است. احتمالاً مقاله «زبان و زبان‌شناسی» از پرویز ناتل خانلری در کتاب زبان‌شناسی و زبان فارسی نخستین نوشته‌ای است که در سال ۱۳۴۳ به این موضوع پرداخته است. خانلری در این مقاله عالمانه، نه تنها اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ مطالعات زبانی ارائه می‌کند، بلکه مهمتر از آن، نشان می‌دهد وقتی یک ایرانی به تاریخ زبان‌شناسی می‌نگرد، به چه مسائلی و چگونه می‌تواند توجه کند. اشاره خانلری به خط اوستایی، علت بی‌توجهی ایرانیان به دستور زبان فارسی، رواج فارسی در هندوستان و پی‌آمدهای آن، آمیختگی صرف و نحو (خانلری، ۱۳۴۳، صص ۴۲ و ۴۳) نشان دهنده اصالت علمی مقاله اوست. نیز هنگامی که خانلری از یونانیان و دانشمندان اسکندریه سخن می‌گوید و آنها را با محققان عرب مقایسه می‌کند (همان، ص ۴۴)، یا حتی ساده‌تر از آن، وقتی زمان چاپ کتاب اشگل را می‌دهد و آن را مقارن دوره سلطنت فتحعلی‌شاه معرفی می‌کند (۱۲۲۳)، نشان می‌دهد تا چه حد می‌کوشد حوزه دانش غربی را به فرهنگ و تاریخ ایران نزدیک کند.

«آشنایی با زبان‌شناسی همگانی» مقاله عالمانه دیگری است که به قلم علی‌محمد حق‌شناس در نخستین شماره مجله زبان‌شناسی به چاپ رسید. این مقاله یک‌سره به بررسی چگونگی پیدایش زبان‌شناسی جدید از بطن زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی پرداخته است و مهمترین نحله‌های فکری قرن حاضر را معرفی می‌کند. بحث از چنین موضوع گسترده‌ای در قالب یک مقاله، نیازمند نثری موجز و فکری بسیار منسجم است و حق‌شناس حق مطلب را استادانه ادا کرده است.

سیر زبان‌شناسی نخستین اثری است که در قالب کتابی مستقل درباره تاریخ زبان‌شناسی،

در ایران تألیف شده‌است؛ از این رو باید اثری میمون و مبارک و مایهٔ سرافرازی باشد. چه، بحث از تاریخی دو هزارساله است که یک سر آن در اعماق قرون فرورفته و سر دیگر آن به سوداهای فکری دنیای امروز مربوط است.

سیر زبان‌شناسی کتابی است که در قالب فهرست، یک پیشگفتار، هجده فصل، واژه‌نامهٔ فارسی به انگلیسی، واژه‌نامهٔ انگلیسی به فارسی و کتاب‌نامه عرضه شده‌است.

نویسنده در پیشگفتار، هدف از تألیف کتاب را توضیح می‌دهد و فصول آن را به اجمال معرفی می‌کند. فصل نخست به بررسی زبان کهن اختصاص دارد. فصول دوم تا پنجم به دستور زبان یونانی تا زبان‌شناسی قرن نوزدهم پرداخته‌است. در فصل ششم یک‌سره از سوسور بحث شده‌است. فصل هفتم و هشتم به ترتیب به زبان‌شناسی اروپایی و زبان‌شناسی انگلیسی اختصاص یافته‌است. در فصل نهم از ساخت‌گرایی امریکایی بحث شده‌است. فصل دهم تا شانزدهم به‌طور کامل زبان‌شناسی گشتاری و رویکردهای گوناگون آن را به بحث کشیده‌است. در فصول هفدهم و هجدهم از کتاب سیر زبان‌شناسی از زبان‌آموزی کودک و فراگیری زبان دوم سخن رفته‌است.

می‌توانیم سیر زبان‌شناسی را چنین خلاصه کنیم: بیش از دو هزار سال تاریخ زبان‌شناسی از آغاز تا ابتدای قرن بیستم در ۶۴ صفحه؛ فردینان دو سوسور و مجموعهٔ زبان‌شناسی اروپایی در ۶۵ صفحه؛ مجموعهٔ زبان‌شناسی امریکایی در ۱۲۹ صفحه؛ یادگیری زبان در ۲۹ صفحه.

در اینجا می‌کوشیم بدون توجه به صحت و سقم مطالب سیر زبان‌شناسی، این کتاب را در چهار بخش زیر ارزیابی کنیم: (۱) بررسی فصول (۲) مبنای فکری (۳) هدف و روند عمومی (۴) مسائل عمومی.

۱. بررسی فصول

نویسنده در پیشگفتار، ابتدا اهمیت بررسی تاریخ زبان‌شناسی و سپس هدف خود را از نگارش کتاب بیان می‌کند؛ آن‌گاه فصول کتاب را معرفی می‌کند. ابتدا نخستین فصل کتاب را معرفی می‌کند و می‌گوید: «در این فصل با هند، ایران و سرزمینهای اسلامی آشنا می‌شویم...» اما در ادامه، از توصیف و تشریح سازمان کتاب خود صرف‌نظر می‌کند و صرفاً به بر شمردن شمارهٔ فصول و تکرار خلاصه‌شدهٔ عناوینی اکتفا می‌کند که بیشتر در فهرست مطالب آمده‌بود. در نتیجه، خواننده بدون اینکه خط و ربط محتوای فصول کتاب را بفهمد، تنها آنچه را که قبلاً در فهرست خوانده‌بود، دوباره از مقابل نگاه خود می‌گذراند. (شاید همین حشو زائد است که اغلب خوانندگان ایرانی را از خواندن پیشگفتار و مقدمه دلسرد می‌کند.)

نویسنده در صفحهٔ دوم پیشگفتار متذکر می‌شود که اغلب فصلهای کتاب قبلاً در مجلهٔ

زبان‌شناسی و مجله دانشکده ادبیات مشهد چاپ شده‌اند. البته بافت کلام چنین القا می‌کند که نویسنده، این مقالات را از ابتدا به قصد تألیف کتاب نوشته و به چاپ رسانده‌است: «چنان‌که در مورد هر کتابی که تألیف و چاپ آن به طول انجامد ممکن است اتفاق افتد، بیشتر فصلهای این کتاب...»

نخستین فصل این کتاب، بررسی سنت زبان‌شناختی هندیها و اعراب است. همچنین نیمی از صفحه ۱۱ به ابوعلی سینا اختصاص دارد. به هیچ‌وجه روشن نیست چرا نویسنده این سه موضوع بی‌ارتباط و جدا از یکدیگر را در یک فصل قرار داده‌است. تأثیر این عدم ارتباط نیز در عنوان فصل آشکار است: مقدمه. در واقع، تنها ارتباط دنیای هند، عرب و ابوعلی سینا در غربی نبودن آنهاست. سنت زبان‌شناختی هند، متعلق به دوران کهن است. سنت عربی که نویسنده کتاب از کل آن فقط سیبویه را معرفی کرده‌است، متعلق به قرن دوم هجری است و ابوعلی سینا نیز چهره قرن پنجم هجری است. نویسنده کتاب می‌توانست این فصل را به بررسی زبان در اعصار کهن اختصاص دهد و با مراجعه به منابع گوناگون، فعالیت‌های زبان‌شناختی فنیقیه، سومر، اکد و مصر را بررسی کند. میراث ایران باستان، به‌ویژه خط اوستایی که خطی بسیار دقیق بوده‌است، نیز حائز اهمیت است. در صفحه ۱۲ می‌خوانیم: «مجموعه آثار به‌جامانده... دانش گسترده زبان‌شناسی را در سرزمینهای اسلامی از جمله ایران پدید آورد.» حق این بود اگر چنین دانش گسترده‌ای به‌وجود آمده‌است، نویسنده به بررسی و توصیف آن می‌پرداخت و به جای کلی‌گویی بی‌ثمر آن را در یک فصل مستقل معرفی می‌کرد. شتاب‌زدگی و سهل‌انگاری گریبان این فصل را چنان گرفته‌است که اجازه بررسی بسیاری از بدیهیترین فعالیت‌های زبان‌شناختی ایران و اسلام را نمی‌دهد. از این‌رو سیر زبان‌شناسی در بررسی زبان‌شناختی فرهنگ خودی تا آنجا که روبینز به سیبویه اشاره کرده‌است، پیش می‌رود و پس از آن باز می‌ماند. متأسفانه درباره این سینا هم مطلب قابل‌نی‌یابیم. حال آنکه در این حوزه موضوعاتی نظیر مسائل ذیل قابل‌اعتنا هستند: مسئله تغییر خط ایران به الفبای عربی و تغییرات بعدی آن؛ حوزه‌های آواشناسی و معناشناسی که در صنایع لفظی و معنوی ادبیات فارسی طرح شده‌اند؛ بررسیهای دقیق معناشناختی که در بحث الفاظ از اصول فقه صورت گرفته‌است و حتی بحث الفاظ در منطق صوری. طبیعتاً رساله مخارج الحروف از ابوعلی سینا برای زبان‌شناسان ایرانی و تاریخ زبان‌شناسی ایران بیش از نصف صفحه‌ای اهمیت دارد که سیر زبان‌شناسی از آن بحث کرده‌است. همچنین این امکان وجود داشت که سیر زبان‌شناسی به توصیف رساله حدود ابن سینا و بررسی زبان هندی توسط فارابی می‌پرداخت. منابع فارسی در ایران و به زبان فارسی کم نیستند و با کمی دقت می‌توان آنها را جمع‌آوری کرد، اما سیر زبان‌شناسی حتی به هفتادمین شماره کتاب انتشارات دانشگاه متبوع خود سیبویه، پیشوای نحویان واقعی نگذاشته‌است.

مهمترین مسئله‌ای که سیر زبان‌شناسی در خلال فصلهای دوم، سوم و چهارم با آن روبرو می‌شود، فقر منبع و عدم استفاده اصولی از منابع است. روبینز مهمترین مأخذ این فصول است و به نظر می‌آید او حق بزرگی به گردن سیر زبان‌شناسی دارد؛ چه، اگر تاریخ مختصر زبان‌شناسی نبود، حجم عظیمی از این سه فصل هیچ‌گاه نوشته نمی‌شد. تنها در چند مورد می‌توان از سیری در زبان‌شناسی واترمن و زبان بلومفیلد اثری یافت. اگرچه هیچ تردیدی نداریم که بلومفیلد تاریخ‌سازی بزرگ در تاریخ زبان‌شناسی است، اما تردید داریم که او تاریخ‌نگار خوبی هم بوده باشد. فصل نخست بلومفیلد در کتاب زبان، به‌هیچ‌وجه، حتی به‌عنوان مأخذ درجه دو و درجه سه درگزینش اطلاعات مربوط به یونان و روم نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. در واقع، نگاشتن تاریخ و مرور اندیشه دیگران سنتی علمی است که همه علمای آن را رعایت می‌کنند. سوسور نیز مقدمه‌ای تاریخی بر آثار گذشته دارد. تروبتسکوی اندیشه واج‌شناختی را در مقدمه اصول واج‌شناسی مرور کرده است و قس علی‌هذا (حال آنکه سیر زبان‌شناسی از این سنت فروتنانه علمی سرپیچیده و نه‌تنها هیچ اعتنایی به تاریخ‌نگاری زبان‌شناسی ایران نداشته، بلکه با عدم مراجعه به آثار پیشین، آن را یک‌سره ندیده گرفته است).

تکوین اصول و مبانی زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی را می‌توان در قرن نوزدهم که موضوع اصلی فصل پنجم سیر زبان‌شناسی است، جستجو کرد.

راسموس کریستیان راسک و فرانتس بوپ دو زبان‌شناسی هستند که در تاریخ زبان‌شناسی از پایه‌گذاران زبان‌شناسی تطبیقی شناخته شده‌اند. تأثیر راسک و توجه او به بحث حروف بر زبان‌شناسان هم‌زمان یا بعد از خودش چنان عمیق بوده که گریم در ویرایش دوم اثر خود به نام دستور زبان آلمانی، ۵۹۵ صفحه به مباحث آوایی اختصاص داده است، حال آنکه در ویرایش نخست، حتی یک کلمه هم از این موضوع بحث نکرده است (مونن ۱۹۶۷: ۱۷۰). از آنجا که روبینز - به هر دلیل - بحث از راسک و بوپ را بسیار مختصرتر از همه مباحث مختصر خود آورده است، سیر زبان‌شناسی نیز از ارائه آنچه مربوط به این دو پیش‌تاز زبان‌شناسی تاریخی است بازمانده و فقط یک صفحه به بررسی مجموع کارهای آنها اختصاص داده است.

خوشبختانه سیر زبان‌شناسی به معرفی یاکوب گریم و کارل ورنر پرداخته است؛ اما مایه حیرت است که مؤلف در ضمن معرفی قانون تحولات آوایی گریم یا ورنر، کتاب مقدماتی مقدمه‌ای بر زبان از فرامکین و رادمن را مأخذ قرار داده است (نک. صص. ۵۲ و ۵۴).

از ویژگیهای ارزشمند روبینز - و در نتیجه سیر زبان‌شناسی - در بررسی قرن نوزدهم، بررسی آرای هومبولت است. هومبولت به دلیل علاقه به مسائل انسان‌شناختی به مطالعات زبانی روی آورد و از این رهگذر، علاوه بر مطالعه زبانهای کلاسیک به بررسی موشکافانه زبانهای سرخ‌پوستی،

سانسکریت، چینی، مجاری، تاتاری، زبانهای سامی، ژاپنی، برمه‌ای و کاوی جاوه پرداخت. مقدمه هومبولیت بر رساله کاوی نشان‌دهنده نبوغ پیشرس او در نحوه مطالعه زبان به‌عنوان یک سیستم همزمان است. هومبولیت در مقدمه رساله کاوی ضمن بررسی چگونگی مطالعه زبانها، به نظام و ماهیت آوایی زبانها و تفاوت آنها در زبانهای مختلف توجه می‌کند و می‌کوشد بین اصوات و مفاهیم ارتباط روشنی بیابد.

یکی از نکاتی که جای آن در این فصل خالی است، اشاره به شکل‌گیری آواشناسی و مقدمات پیدایش واج‌شناسی است. در نیمه دوم قرن نوزدهم هلمهولتس، فیزیکدان آلمانی، به بررسی فیزیک صوت پرداخت و واژه‌های صدای انسان را نیز مورد مطالعه قرار داد. چرماک با استفاده از لارنگوسکوپ، عمل تارآواها و نرمکام را هنگام تولید خیشومیها بررسی کرد. گراهام بل استفاده از نوعی خط آوانگار را با عنوان گفتار مرئی پیشنهاد کرد. ادوارد زیورس در سال ۱۸۷۶ کتاب مبانی فیزیولوژی آوایی را تألیف کرد (مونن ۱۹۶۷: ۲۰۵).

از سوی دیگر، با مساعی بودوئن دوکورتنه، کروئوسکی، هنری سوئیت و برخی دیگر از زبان‌شناسان مفهوم واج شکل‌گرفته بود و فقط نیاز به تعریف روشنی داشت که این کار در نیمه نخست قرن بیستم در مکتب پراگ انجام گرفت (تروبتسکوی ۱۹۶۷؛ یاکوبسن ۱۹۷۳).

اگر در ایران کتابی در زمینه تاریخ زبان‌شناسی تألیف می‌شود، شاید چندان بی‌ربط نباشد که در گيرودار بحثهای مربوط به زبان‌شناسی قرن نوزدهم به چگونگی کشف و شناختن زبانهای باستانی ایران توجه شود و درباره فعالیت افرادی چون راولینسون، جکسون و بارتولمه صحبت شود. طبیعتاً مورخان غربی زبان‌شناسی به این نوع اطلاعات توجه خاصی ندارند، اما می‌تواند برای مورخان ایرانی زبان‌شناسی جالب توجه باشد.

در فصل ششم از سیر زبان‌شناسی با سوسور و اندیشه‌های او آشنا می‌شویم. واقعیت این است که همه اطلاعات ما فارسی‌زبانان از سوسور محدود به همان مقداری است که در سال ۱۳۵۵ در ترجمه فارسی کتاب زبان‌شناسی جدید از مانفرد بی‌رویش آمده است. زبان‌شناسی سوسوری آن‌چنان‌که در کتاب دروس زبان‌شناسی عمومی (۱۹۱۶) دیده می‌شود، بسیار وسیعتر از آن چیزی است که اینک در کتابهای فارسی وجود دارد. هنوز درباره مسئله مشی همزمان و در زمان در کتاب سوسور اختلاف و بحث‌های زیادی وجود دارد، اما مسائل فراموش‌شده او نیز کم نیستند. سوسور در کنار دیدگاه همزمانی و در زمانی، دیدگاه همه‌زمانی (panchronique) را فقط یک بار (سوسور ۱۹۷۲: ۱۳۷) طرح می‌کند. اما این چه دیدگاهی است و چه ارزشی دارد؟ اصول و قواعد زبان‌شناسی در زمان و اصول زبان‌شناسی همزمان چیستند؟ سوسور در کنار این دو دیدگاه، زبان‌شناسی جغرافیایی و زبان‌شناسی گذشته‌نگر (ling. retrospective) را نیز مطرح می‌کند که

به‌طور عادی زبان‌شناسان ایرانی هیچ‌گاه به‌این دیدگاه‌ها توجه نکرده‌اند (شاید به‌این دلیل که در کتاب بی‌پرویش یا فرامکین و امثالهم نیامده است!). آیا نویسنده سیر زبان‌شناسی که در سراسر سی صفحه فصل ششم به کتاب سوسور ارجاع می‌دهد، واقعاً این کتاب را خوانده و استنباط‌های شخص خود را آورده یا به گفته‌های دیگران درباره سوسور اعتماد علمی کرده و سپس به کتاب او ارجاع داده است؟

آنچه به‌این تردید بیشتر قوت می‌دهد این است که در فصل هفتم می‌بینیم بدون خواندن و مراجعه به آثار درجه اول یا درجه دوم می‌توان درباره زبان‌شناسی نقش‌گرای پراگ مطلب نوشت. در این فصل بدون توجه به اهمیت آنچه که در تاریخ زبان‌شناسی می‌توان آن‌را به نام انقلاب پراگ دنبال کرد، فقط هشت سطر درباره این مکتب و بنیان آن صحبت شده و سپس در خلال هفت صفحه، حداقل، ۱۵ مفهوم کلیدی از زبان‌شناسی مکتب پراگ را هم به بحث کشیده است؛ نهایتاً در صفحه ۹۹ و ۱۰۰ به نقد این مکتب پرداخته است: «بالین حال، برخی توضیح‌های نقش‌گرایی برای توصیف زبان چندان قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد...» تمام مأخذی که برای تشریح این نقد و آن مفاهیم ارائه شده است، کتاب مقدماتی لاینز (۱۹۸۱) و بولینجر (۱۹۶۸) است. لاینز اثر خود را به‌عنوان کتاب مبتدی خوانندگان مبتدی پیشنهاد کرده است!

مهر تأیید بر این فصل از سیر زبان‌شناسی به منزله این است که بدون مراجعه به منابع اصیل می‌توان به‌سادگی و بدون هیچ عذاب وجدانی به سراغ غولهای زبان‌شناسی رفت، کلیات نظرات آنها را به بحث کشید و سرانجام آنها را نقد کرد. آیا این طریقه بحث درباره تروبتسکوی است که زبان‌شناس پیری چون آنتوان میه وقتی شنید کسی درباره او گفت: «تروبتسکوی در زبان‌شناسی اندیشمندی تواناست.»، اعتراض‌کنان گفت: «اندیشمندی توانا نه، تروبتسکوی تواناترین اندیشمند زبان‌شناسی است.» (مونن ۱۹۷۴: ۱۰۹).

اصول واج‌شناسی اثر ناتمام نیکلای سرگیویچ تروبتسکوی است که اساس و مبنای واج‌شناسی سنتی را عرضه می‌کند. تروبتسکوی در این کتاب ضمن نقد و بررسی مفاهیم مختلف واج و تفاوت آن با آوا می‌کوشد با استفاده از شواهدی که از حدود سیصد زبان جمع‌آوری کرده است، بر اساس قوانینی که ارائه می‌کند، به تعریفی روشن و زبان‌شناختی از مفهوم واج برسد. دوست، همراه و همفکر او در این راه، رومان یاکوبسن بود؛ کسی که اندیشه واج‌شناختی پراگ را به امریکا برد و در آنجا مطالعات فیزیکی و واج‌شناسی دوارزشی را پی‌ریزی کرد. واج‌شناسی پراگ در اروپا در مکتب نقش‌گرای فرانسوی ادامه یافت؛ آندره مارتینه و شاگردانش هنوز در همان چارچوب پراگی، نه تنها در زمینه واج‌شناسی، بلکه در اغلب حوزه‌های دیگر زبان‌شناسی به مطالعه و تحقیق مشغولند. سیر زبان‌شناسی در این فصل فراموش می‌کند که یاکوبسن و مارتینه در تاریخ زبان‌شناسی و به‌طور

خاص در چارچوب نقش‌گرایی چنان ارزی دارند که خیلی بیشتر از ده سطر پایانی صفحه ۱۰۰ را می‌توان به آنها اختصاص داد.

باری، با اینکه کتاب پر و پیمان مکتب زبان‌شناسی از جفری سمپسون در کتابنامه سیر زبان‌شناسی آمده است، اما اثری از آن در متن فصل هفتم نمی‌یابیم. متأسفانه نویسنده سیر زبان‌شناسی، خود و کتاب خود را از بهره‌گیری از مقاله بسیار شیرین، مطبوع و دلنشین «کارنامه دهساله مکتب پراگ» محروم ساخته است؛ مقاله‌ای که به قلم ویلم ماتسیوس یکی از بانیان و نظریه‌پردازان دستوری پراگ نوشته شده و ترجمه فارسی آن در مجله زبان‌شناسی به چاپ رسیده است. ضمناً چشم‌اندازهای هر چند کم‌رنگی از نظریه مارتینه را در صادقی (۱۳۴۸)، نجفی (۱۳۵۸) و حق‌شناس (۱۳۶۳) می‌توان یافت که در سیر زبان‌شناسی به همه آنها بی‌اعتنایی شده است.

شاید بررسی مکتب کپنهاگ و آرای یلمسلف موفق‌ترین بخش این فصل و این کتاب در میان فصول هفت‌گانه آن باشد، زیرا اطلاعاتی که در اینجا می‌یابیم، نخستین بار است که در زبان فارسی ارائه می‌شود.

دانمارک در قرن حاضر با نام دو زبان‌شناس خود اتویسپرسن و لویی یلمسلف شناخته می‌شود. یسپرسن زبان‌شناسی اصلاً قرن نوزدهمی است، اما روشن‌اندیش بود و به‌طورکلی در حیطه دستور زبان کار می‌کرد. یلمسلف اساساً چهره‌ای نظریه‌پرداز است و می‌کوشد تصویری منطقی از کارکرد زبان ارائه دهد. یلمسلف در کتاب مقدمه‌ای بر نظریه‌ای درباره زبان (۱۹۴۳) می‌کوشد با بررسی همزمان زبان ساختمان زبان را توصیف کند (چنان‌که بعضی از آرای او را در سیر زبان‌شناسی می‌بینیم)، اما او زبان‌شناسی نیست که در بند مطالعات همزمان اسیر بماند. برعکس، تحصیلات یلمسلف، در حیطه فیلوژنی تطبیقی بوده و تز خود را سال ۱۹۳۲ در زمینه واج‌شناسی تاریخی زبانهای بالتی و با عنوان مطالعات بالتی گذرانده است. یلمسلف مطالعات تاریخی و به‌ویژه رده‌شناختی خود را با عنوان زبان در سال ۱۹۶۳ در کپنهاک منتشر کرد. او در این کتاب کوچک و مقدماتی درباره رابطه نسب‌شناختی خانواده‌های زبانی، ساختمان و کاربرد زبان، صورت‌بندی نشانه‌ها، رده‌بندی زبانها و تغییر زبان بحث می‌کند. بدون تردید مراجعه مختصری به این رساله کوچک می‌توانست تصویر کاملتری از یلمسلف در سیر زبان‌شناسی ارائه کند.

سیر زبان‌شناسی در فصل هشتم به بررسی زبان‌شناسی انگلیس می‌پردازد و به این ترتیب آن را از حوزه زبان‌شناسی اروپا بیرون می‌کشد. در این فصل دانیل جونز نادیده گرفته شده و فقط به ذکر نام او اکتفا شده است. بررسی فرث با تفصیل نسبتاً بیشتری صورت گرفته است، اما هلیدی هنوز همان هلیدی نظریه مقوله و میزان است که در نیمه نخست دهه ۱۹۶۰ مطرح بود و قبلاً

هم در فارسی معرفی شده است. هلیدی از سال ۱۹۷۶ به همراهی رقیه حسن با کتاب انسجام در انگلیسی، نظریه مقوله و میزان را به تاریخ زبان‌شناسی سپرده و خود را در قالب زبان‌شناسی نقش‌گرا نشان داده است که سیستم ارتباطی را بر اساس نقش معنایی جمله، کلمات معنادار، رابطه جملات در متن و سرانجام چگونگی انسجام یافتن متن بررسی می‌کند. ضمناً رویکرد هلیدی به مسائل تربیتی و نقش زبان‌شناختی آموزش و پرورش از دیدگاه او پراهمیت هستند. ظاهراً حیطه مورد علاقه سیر زبان‌شناسی زبان‌شناسی آمریکایی است که نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است.

فصل نهم متعلق به ساخت‌گرایی آمریکایی است، در این فصل به غیر از بررسی بوآس مطلب یا بحث تازه‌ای ارائه نشده است و علی‌رغم ارجاعات پی‌درپی فصل دهم به آثار سایپر، بلومفیلد و هاکت به نظر نمی‌آید سیر زبان‌شناسی اطلاعاتی بیش از آنچه که شارحان و نویسندگان کتابهای مقدماتی درباره این زبان‌شناسان داده‌اند، از آثار اصلی ارائه کرده باشد. طبیعتاً کتاب ۵۵۰ صفحه‌ای بلومفیلد، که در ۲۸ فصل تنظیم شده است، می‌تواند حرفهای زیادی داشته باشد، حرفهایی که در کتابهای مبتدی نظیر لاینز، کریستال (۱۹۷۳) و دینن نیامده است. بدون تردید، فصل هجدهم تا بیست و هشتم کتاب زبان که تبیین‌کننده دیدگاه بلومفیلد نسبت به مسائل گویشی، تغییرات زبانی و برخورد زبانی است، برای ما ایرانیها که دارای زبانی تاریخی هستیم و در کشورمان با تنوع گویشی روبرو هستیم، بسیار پراهمیت است. اما سیر زبان‌شناسی مطالب تکراری مقالات و کتابهای آموزشی را دوباره دست‌چین کرده و با ردیابی آنها در مآخذ اصلی همان حرفها را بازنویسی کرده است. در این فصل، سیر زبان‌شناسی می‌توانست از منابع دیگری که در فارسی هم موجودند، نظیر باطنی (۱۳۵۶) و هال (۱۳۵۰) استفاده کند.

در فصل دهم و یازدهم مبانی و سرفصلهای اساسی در ساختمان دستورگشتاری از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به این منظور، سیر زبان‌شناسی از کتاب زبان‌شناسی نوین از اسمیت و ویلسون (صص ۱۵۲، ۱۵۴) و کتاب زبان‌شناسی امروز از براون (صص ۱۵۸، ۱۵۹) استفاده کرده است. ضمناً در صفحات ۱۶۱ و ۱۶۲ به فلور ارجاع داده شده است که احتمالاً باید فولر (Fowler) باشد. متأسفانه همه این کتابها، جزء منابع مقدماتی و آموزشی در شناختن زبان‌شناسی گشتاری هستند و در رساله‌ای مربوط به تاریخ زبان‌شناسی اعتبار استناد ندارند. فصل یازدهم که به بررسی یازده سرفصل مهم در زبان‌شناسی گشتاری پرداخته است، صرفاً دوبار در صفحات ۱۶۸ و ۱۸۱ به چومسکی (۱۹۶۵) ارجاع می‌دهد.

به نظر می‌آید مطالب فصول دوازدهم تا شانزدهم می‌توانستند نقطه قوت سیر زبان‌شناسی باشند، (و این در صورتی بود که اسم کتاب، سیر زبان‌شناسی انتخاب نمی‌شد)، زیرا تا به حال هیچ‌یک

از کتابهای فارسی مسائل نظری رویکردهای جدید در زبان‌شناسی را آموزش نداده‌اند. باین حال مقالاتی نظیر دبیر مقدم (۱۳۶۹) و کریمی (۱۳۶۶) قابل مراجعه هستند که سیر زبان‌شناسی آنها را نادیده گرفته است.

در فصل هفدهم از سیر زبان‌شناسی مسئله زبان‌آموزی کودکان مورد توجه قرار گرفته است. فعلاً به این موضوع کاری نداریم که چگونه ممکن است فصلی از یک کتاب تاریخ زبان‌شناسی به مسئله زبان‌آموزی کودک اختصاص یابد! اما بیشتر از این جهت تعجب می‌کنیم که از چهار محور مورد توجه در این فصل، فقط محور چومسکی است که می‌تواند در چارچوب زبان‌شناسی قرار گیرد و بقیه حوزه‌ها (پیازه، اسکینر و مسئله بهره هوشی) به روان‌شناسی مربوط می‌شوند. طبیعتاً نویسنده تاریخ زبان‌شناسی به قدر کافی با فرضیات زبان‌شناختی در باب یادگیری زبان آشنایی دارد و قاعدتاً باید رویکردهای زبان‌شناسی به قدر کافی با فرضیات زبان‌شناختی در باب یادگیری زبان هم‌نشینی، مفهوم نشانه و دال و مدلول، همچنین فرضیه یاکوبسن درباره یادگیری زبان کودکان و آفازیا، رشد زبانی و رشد نقشهای زبانی کودکان از نگاه هلیدی را بشناسد. خلاصه، بحث در تاریخ زبان‌شناسی باید زبان‌شناختی باشد، نه روان‌شناختی.

در فصل هجدهم از کتاب تاریخ نگاشتی سیر زبان‌شناسی به فراگیری زبان دوم توجه شده است. ما از بحث از این فصل و چارچوب مطالب آن، به علت عدم ارتباط و انسجام آن چشم می‌پوشیم.

۲. مبنای فکری

طبیعتاً تألیف هر کتابی بر پایه مبنا و سازمان ذهنی مشخصی صورت می‌پذیرد. از آنجا که این مبنا و سازمان ذهنی، درونی‌شده صاحب اثر است، ردپای خود را در تمام اثر - و حتی در تمام آثار مؤلف - حفظ می‌کند. روبینز در پیشگفتار تاریخ زبان‌شناسی خود که به اندازه ابتدا تا انتهای کتابش عالمانه و آموزنده است، مبنا و شیوه کار خود را چنین توصیف می‌کند: «... روایت خود را یکسره در پیرامون تاریخ زبان‌شناسی در اروپا سازمان داده‌ام. با این همه، امیدوارم به آثاری نیز توجه کرده باشم که از رهگذر آنها در زبان‌شناسی اروپایی تحولات اساسی حاصل شده ولی ریشه خود آن آثار در بیرون از قاره اروپاست» (روبینز، ۱۳۷۰، ص ۷). بر همین مبناست که روبینز، حدود و جغرافیای ارائه اطلاعات تاریخی خود را مشخص می‌کند و در می‌یابد که اگر قرار است تلاشهای زبان‌شناسان زبانهای عبری و عربی را در کتاب خود بیاورد، باید آنها را هنگام بحث از دوران رنسانس طرح کند، و سنت زبان‌شناختی هندی را در گریودار بحث مربوط به قرن هجدهم باز گوید، زیرا این سنتها در زمانهای یادشده به دانش و فرهنگ اروپایی راه یافتند. اما شگفت آنکه

روبینز در این حد هم نمی‌ماند. او می‌داند که در اروپا زندگی می‌کند و بر خود لازم می‌بیند که از نگاه اروپایی به این اقوام بنگرد: «قبول که بسیاری از آثار زبان‌شناختی چینی و اسلامی و هندی را پیش از این هم مورد مطالعه گسترده و همه‌جانبه قرار داده‌اند؛ اما عمده آن مطالعات از چشم‌انداز پایگاه و مرتبت آن آثار در تاریخ فرهنگی و ادبی خود آن ملتها صورت بسته است» (همان، ص ۸). ژرژ مونن هم تکلیف خود را معلوم کرده است. او که زبان‌شناسی را در مکتب مارتینه آموخته است، بر مسند ساخت‌گرایی قرن بیستم تکیه زده و طومار تاریخ زبان‌شناسی را از عصر کهن تا امروز به تدریج باز می‌کند تا بتواند شیوه‌های گوناگون تجزیه دوگانه زبانی و نظریه‌های زبان‌شناختی را در طول تاریخ و در عرض جغرافیا باز شناسد.

ظاهراً این مسئله اصلاً برای سیر زبان‌شناسی طرح نشده است. از این رو، بدون دلیل، زبان‌شناسی هندی، زبان‌شناسی عربی، ابوعلی سینا و ویژگیهای خط و زبان چینی را یک جا در فصل اول مطرح می‌کند. جالب اینکه نویسنده هیچ اسمی برای این فصل نیافته و به ناچار آن را با عنوان «مقدمه» مشخص می‌کند.

به راستی، وقتی یک زبان‌شناس ایرانی به تاریخ زبان‌شناسی می‌نگرد، نگاه او با نگاه زبان‌شناس اروپایی و امریکایی چه تفاوتی باید (یا می‌تواند) داشته باشد؟ بررسی دستور زبان یونانی و رومی به غیر از مجموعه‌ای از اطلاعات عمومی، چه ارزشی برای زبان‌شناسان ایرانی دارد؟ ظاهراً این مسئله نیز برای سیر زبان‌شناسی طرح نشده است و به همین دلیل حتی در جاییکه از دانش گسترده زبان‌شناسی در سرزمینهای اسلامی و از جمله ایران داد سخن می‌دهد، از کنار این دانش غیر مسئولانه می‌گذرد و هیچ گوشه‌ای از آن همه را معرفی نمی‌کند؛ چه، فقر پژوهش خود این داعیه را نیز غیر مسئولانه ساخته است.

۳. هدف و روند کلی

در سیر زبان‌شناسی کوشش شده «بررسی و توصیفی متناسب درباره سیر بررسی زبان و نیز اصول مکتبها و نظریه‌های زبان‌شناسی از آغاز تا زمان کنونی ارائه گردد» (ص ۱). با این حال، سیر زبان‌شناسی در بی‌هدفی گنج و مبهمی به سر می‌برد. آیا هدف این کتاب، تشریح تاریخ زبان‌شناسی است یا در پی معرفی مکاتب و نظریه‌های زبان‌شناسی برآمده است. سیر زبان‌شناسی به هر دو طرف مسئله پرداخته است، اما در واقع نه تاریخ‌نگاری خوبی از آب درآمده و نه اینکه به درستی توانسته است به تشریح چارچوب نظریه‌های زبان‌شناسی بپردازد. کتاب تاریخی خوبی نیست، زیرا بحث از تاریخ زبان‌شناسی حوصله و دانش فراوان می‌طلبد و مسلم است که با کپی‌برداری ناشیانه از دو سه کتاب خوب یا بد هیچ تاریخی نوشته نمی‌شود. به علاوه، نویسنده تاریخ زبان‌شناسی، به غیر

از شناختن چندین زبان باستانی و چند زبان زنده امروزی باید در زمینه ادبیات و تاریخ ادبیات، فلسفه و تاریخ فلسفه، تاریخ علم و تاریخ عمومی جهان آگاهی کافی داشته باشد. احاطه کامل او بر دانش زبان‌شناسی نیز، جزء لاینفک مسئله است. سیر زبان‌شناسی در امر بررسی نظریه‌های زبانی هم پیشاپیش شکست خورده است، زیرا به دلیل عدم درک درست نظریات علمی و به دلیل عدم استفاده مناسب از منابع اصیل نتوانسته است تصویر درست و کاملی از جهان‌بینی و طرز نگرش این نظریات نسبت به زبان ارائه کند. از سوی دیگر، از آنجا که سیر زبان‌شناسی از هدف خود تصور درستی ندارد، نمی‌تواند با مخاطبش ارتباط مطلوبی برقرار کند. از این رو، زبان و سبک کتاب، کاملاً آشفته به نظر می‌رسد؛ تا بدان حد که متن کتاب در فصول مربوط به زبان‌شناسی گشتاری به جای اینکه متنی توصیفی و گزارشی باشد، به متنی آموزشی تبدیل شده است.

بی‌هدفی کتاب را می‌توان در تنظیم فصول و محتوای آنها مشاهده کرد. سیر زبان‌شناسی در حالی که فقط سه فصل از کتاب را به تبیین زبان‌شناسی اروپایی اختصاص داده، هشت فصل را وقف بررسی در امریکا کرده است؛ و در حالی که از کنار افرادی مثل دانیل جونز، یاکوبسن و مارتینه با بی‌اعتنایی می‌گذرد، برای معناشناسی تعبیری، معناشناسی زایشی و دستور حالت فصول خاصی قائل می‌شود.

در سیر زبان‌شناسی شاید هیچ چیز حیرت‌آورتر از مشاهده دو فصل پایانی کتاب نیست. تنها منطق نویسنده، برای گنجاندن فصل هفدهم این بوده که زبان‌آموزی کودک به ویژه در سه دهه اخیر توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده است. درباره فصل هجدهم نیز هیچ توضیحی داده نشده است. ناگفته پیداست که زبان‌آموزی کودک تنها حوزه‌ای نیست که در سه دهه اخیر توجه زبان‌شناسان را جلب کرده باشد. عصب‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی زبان، زبان‌شناسی و کامپیوتر، جغرافیای زبان، ... موضوعات گوناگونی هستند که نه تنها توجه زبان‌شناسان، بلکه توجه بسیاری از افراد جامعه را به خود جلب کرده‌اند. مسلماً در هیچ کتابی نمی‌توان به این همه موضوع پرداخت؛ اما سیر زبان‌شناسی صرفاً می‌توانست به عنوان نتیجه‌گیری کتاب، از موقعیت کنونی کاربردهای زبان‌شناسی معاصر و حوزه‌های بین‌رشته‌ای، تصویری کلی ارائه کند.

۴. مسائل عمومی

سیر زبان‌شناسی به لحاظ اصول کتاب‌نویسی و کتاب‌سازی چنگی به دل نمی‌زند. این کتاب از نظر فصل‌بندی و چارچوب فصل‌بندی اشکال دارد. برای بخش‌بندی داخل فصول از روش شماره‌گذاری استفاده شده است؛ اما برای زیربخشها حروف الفبا به کار رفته‌اند. فهرست و چارچوب مطالب از تقطیع سوم دچار گرفتاری می‌شود. در تقطیع سوم از فصل ششم کتاب، از مدل (ب-۱)، (ب-۲)

استفاده شده است؛ اما در فصل هفتم مدل (الف)، (ب) به‌کار رفته است. احتمالاً منظور از شماره ۲-ب در فصل ششم، شماره ۴ است.

ادغام فصل هفتم و هشتم منطقی‌تر به‌نظر می‌رسد؛ زیرا جزیره انگلستان نیز جزئی از قاره اروپاست و مکاتب انگلیسی هم در چارچوب مکاتب اروپایی شناخته می‌شوند.

ارجاعات کتاب بسیار آشفته هستند. ارجاع به کتابهای فارسی و غیر فارسی در داخل متن یکسان صورت گرفته است. در صفحه ۴۲ به لاک و هیوم ارجاع داده شده است، در صفحه ۹۹ و ۱۰۹ به مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۰ ب، در صفحات ۱۶۱ و ۱۶۲ به فلور و در صفحه ۲۵۲ به کوک ارجاع داده شده است؛ اما هیچ‌یک از این آثار و مشخصات آنها در کتاب‌نامه ذکر نشده‌اند. به‌علاوه، در صفحات ۶۸ و ۹۹ به‌لایز و در صفحاتی مثل ۷۸، ۷۹ و ۸۰ به کریستال ارجاع داده شده که در کتاب‌نامه دو عنوان از آثار آنها آمده و معلوم نیست کدام‌یک مرجع بوده‌اند. عنوان بعضی از آثار نظیر هورن (در کتاب‌نامه فارسی) و چستین و سمپسون (در کتاب‌نامه انگلیسی) در کتاب‌نامه دیده می‌شود، اما در متن اثری از آنها مشاهده نمی‌شود.

گاهی اوقات غلطهای چاپی هم به کتاب آسیب رسانده‌اند. در صفحه شش (فهرست مطالب) نام کوچک سوسور، سه بار تکرار شده و هر سه مرتبه فردینان ضبط شده است. شاید بعضی از خطاهای دیگر، نظیر خطای صفحه چهارم (سطر ۱۳)، در کلمه language و صفحه پنجم در ضبط اسم lenneberg قابل اغماض باشند.

سرانجام به‌نظر می‌آید که سیر زبان‌شناسی می‌توانست به مجموعه‌ای از کتابهایی ارجاع دهد که به فارسی ترجمه شده‌اند، اما ظاهراً طبع نویسنده کتاب، به‌نحو عالمانه‌ای، اصولاً با متون، نوشته‌ها و کتابهای فارسی سازگار نیست. لابد باید آب را از سرچشمه خورد؛ اگر چنین است آیا بهتر نیست ما هم برای خواندن سیر زبان‌شناسی به سراغ سرچشمه‌های دیگری برویم به‌غیر از سیر زبان‌شناسی؟

کتابنامه

باطنی، محمدرضا، ۱۳۵۶. نگاهی تازه به دستور زبان. تهران، انتشارات آگاه.
حق‌شناس، علی محمد، ۱۳۶۳. «آشنایی با زبان‌شناسی همگانی». مجله زبان‌شناسی، سال اول، ش ۱، صص ۵-۱۷.

خانلری، پرویز ناتل، ۱۳۴۳. زبان‌شناسی و زبان فارسی. تهران، امیرکبیر.
دبیر مقدم، محمد، ۱۳۶۹. «پیرامون 'را' در زبان فارسی»، مجله زبان‌شناسی، سال هفتم، ش ۱، صص ۶۰-۲.
روبینز، آر. اچ، ۱۳۷۰. تاریخ مختصر زبان‌شناسی. ترجمه علی محمد حق‌شناس. تهران، نشر مرکز.
صادقی، علی اشرف، ۱۳۴۸. «نظریه زبان‌شناسی آندره مارتینه و زبان فارسی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (۱۷)، ش ۲، صص ۱۶-۱۴۳.

کریمی حقیقی، سیمین، ۱۳۶۶. «دگرگونیهای نوین در دستور زایشی-گشتاری». مجله زبان‌شناسی، سال چهارم،

- ش ۲ و ۱، صص ۲۴-۲.
- مانسیوس، ویلم، ۱۳۶۶. «کارنامه دهساله مکتب پراگ». ترجمه محمد طباطبایی. مجله زبانشناسی، سال دوم، ش ۲، صص ۳۲-۱۹.
- نجدی ناصف، علی، ۱۳۵۹. سیبویه پیشوای نحویان. ترجمه محمد فاضلی. مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
- نجفی، ابوالحسن، ۱۳۵۸. مبانی زبان‌شناسی. تهران، انتشارات دانشگاه آزاد ایران.
- واترمن، تی. جان، ۱۳۴۷. سیری در زبان‌شناسی. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- هال، رابرت ا.، ۱۳۵۰. زبان و زبان‌شناسی. ترجمه محمدرضا باطنی. تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.

- Halliday, M. A. K. & Ruqaia Hasan, 1976. *Cohesion in English*. London, Longman.
- Hjelmslev, L., 1966. *Le langage*. Paris, Minuit.
- Humboldt, W. von., 1974. *Introduction à l'oeuvre sur le kavi*. Paris, Seuil.
- Jakobson, R., 1973. *Rapports internes et externes du langage*. Paris, Minuit.
- Kristeva, J., 1981. *le langage, cet inconnu*. Paris, Seuil.
- Lyons, J., 1968. *Introduction to theoretical linguistics*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Lyons, J., 1981. *Language and linguistics*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Malmberg, B., 1983. *Analyse du langage au XXe siècle*. Paris, PUF.
- Malmberg, B., 1991. *Histoire de la linguistique, de sumer à saussure*. Paris, PUF.
- Mounin, G., 1967. *Histoire de la linguistique, des origines au XXe siècle*. Paris, PUF.
- Mounin, G., 1972. *La linguistique du XXe siècle*. Paris, PUF
- Saussure, F. de, 1972. *Cours de linguistique générale*. Paris, Payot.
- Troubetzkoy, N. S., 1976. *Principes de phonologie*. Paris, Klincksieck.



دوره پنجم کلاسهای ویرایش مرکز نشر دانشگاهی

مرکز نشر دانشگاهی برای پنجمین دوره مقدماتی ویرایش دانشجوی می‌پذیرد. داوطلبان برای آگاهی از شرایط دوره و ثبت نام در آزمون ورودی، روزهای شنبه تا چهارشنبه بین ساعت ۳ تا ۵ به مرکز نشر دانشگاهی واقع در خیابان وزرا پلاک ۴۶ (ساختمان سنایی) بخش آموزش مراجعه کنند.